



باسمه تعالی

الرابطة الثقافية الإسلامية العالمية  
International Islamic Cultural Association  
انجمن فرهنگی جهانی اسلامی



شماره: ۸

تاریخ: ۰۷/۰۶/۲۰۱۱

خاص برای دانشجویان

## اسلام و علم (Science) :

اصحاب دانش و خرد بر آنند که نخستین معلومات در مورد یک شیء را (قبل از همه) صانع و یا مخترع و یا خالق آن در اختیار دارد، و چون خالق و آفریننده جهان تنها ذات الله (جل جلاله) است، لذا معلومات دقیق در مورد حقایق کائنات و آنهم برای بار اول و قبل از بشر، را قرآن عظیم الشان که کتاب الله (جل و علا) می باشد، ارائه میدارد.

در سال 1973م یک تعداد دانشمندان، جایزه نوبل (Noble Prize) را بخاطر ارائه نمودن نظریه (Big Bang) حاصل نمودند، بنابر نظریه مذکور، جهان در ابتداء یک کتله واحد بود که در اثر یک انفجار عظیم به کهکشانها و ستارگان و کواکب تقسیم شد قرآن عظیم الشان این واقعیت علمی را چنین بیان می نماید:

{ آیا ندیدند کافران که آسمانها و زمین بودند بسته ، پس گشودیم آنها را } (سوره الانبیاء - 30)

(رتق) به معنی آمیختن و در یکدیگر در آمدن است، ابتدا آسمان و زمین هر دو در ظلمت عدم از یکدیگر غیر متمایز افتاده بودند و در مرحله ابتدائی وجود هم با یکدیگر مخلوط بودند، بعد از آن قدرت خالق مقتدر هر دو را از هم جدا فرمود. (تفسیر کبلی)

\* \* \* \* \*

(فرانسس دریگ) (Francis Drake) در سال (1597) میلادی و برای اولین بار ثابت نمود که زمین کروی است. قرآن کریم در این باره می فرماید: (الم تر أن الله یولج الیل فی النهار و یولج النهار فی الیل.) { آیا ندیدی که خدا داخل می کند شب را در روز

و داخل می کند روز را در شب. } (سوره لقمان - 29)

باید خاطر نشان ساخت که شب با آهستگی و تدرج به روز تبدیل می شود و همچنان روز بطور آهسته و با تدرج به شب مبدل می گردد، این جریان صورت نمی پذیرد مگر اینکه زمین کروی باشد، زیرا اگر کره ارضی مسطح می بود، در آن صورت

تبدیل شدن شب به روز و عکس آن ناگهانی و فوری صورت می پذیرفت. همچنان قرآن می فرماید: (خلق السموات و الارض

بالحق، یکور الیل علی النهار و یکور النهار علی الیل) {آفریده آسمانها و زمین را درست، می پیچاند شب را به روز و می پیچاند

**روز را بر شب}. (سوره الزمر- 5)**

واژه عربی (کوّر- تکویراً) به معنای (پیچانیدن) می باشد، (کوّر العمامة) یعنی عمامه را پیچانید، پس پیچانیدن مذکور (که در آیات ذکر شد) ممکن نیست مگر اینکه زمین کروی باشد.

\* \* \* \* \*

علم ساینس (Science) اخیراً ثابت نمود که روشنی مهتاب، انعکاس و بازتابی از آفتاب می باشد، این موضوع را قرآن عظیم الشان چهارده قرن (1400 سال) قبل در معرض بیان گذاشته است: (تبارک الذی جعل فی السماء بروجاً و جعل فیها سراجاً و قمر منیراً)

**{با برکت است آنکه ساخت در آسمان برجها و ساخت در آن چراغی، و ماه روشنی دهنده} (سوره الفرقان- 61)**

آفتاب را در عربی (شمس) گویند که در قرآن بنام های (سراج) یعنی چراغ فروزنده (وهاج) یعنی تابان و شعله ور و (ضیاء) یعنی درخشنده ذکر شده است که هر سه وصف به خواص آفتاب تطابقت دارد زیرا نور آفتاب ذاتی است و نور و حرارت در آن جمع بوده و صفت احراق دارد و توسط احتراق و اشتعال داخلی حرارت شدید و تابان تولید می نمایند. مهتاب را در عربی (قمر) می نامند که در قرآن به (منیر) یعنی فرستنده نور و روشنی توصیف شده است که خاصیت مهتاب می باشد، زیرا مهتاب فاقد روشنایی ذاتی بوده و روشنی آفتاب را منعکس می سازد، حتی یکبار هم در قرآن از آفتاب به عنوان (منیر) یا (نور) ذکر نشده و همچنان هرگز مهتاب به عنوان (سراج)، (وهاج) و (ضیاء) توصیف نگردیده است. این بوضاحت می رساند که از نظر قرآن روشنایی آفتاب و مهتاب فرق دارد.

قرآن می فرماید: (هو الذی جعل الشمس ضیاءً و القمر نوراً). {او آنست که گرانید آفتاب را درخشنده و مهتاب را روشن} (سوره یونس- 5)

صاحب تفسیر کابلی در این مورد می نویسد: (نزد بعضی (نور) نسبت به (ضیاء) عام تر است، زیرا (ضیاء) آن نور را گویند که تیزتر و درخشان تر باشد و بعضی گفته اند که (ضیاء) روشنی ذاتی است و (نور) فروغی که از دیگری مستفاد شود، چنانکه در عالم اسباب بعقیده علمای هیئت، روشنی آفتاب که از کره دیگر حاصل نشده (ضیاء) باشد و روشنی ماه که مستفاد از آفتاب است، نور باشد و بعضی محققین در بین هر دو چنین فرق گذاشته اند که (نور) مطلق روشنی را و (ضیاء) و (ضوء) انتشار آنرا نامند، چون انتشار روشنی آفتاب زیادتر است لهذا روشنایی آن به (ضیاء) تعبیر شد).

(الم تروا کیف خلق الله سبع سموات طباقاً و جعل القمر فیهن نوراً و جعل الشمس سراجاً). {آیا ندیده اید چگونه آفریده الله هفت

**آسمان را طبقه بر طبقه . و گردانید ماه را در میان آنها روشنی و ساخت آفتاب را چراغ فروزنده** (سوره نوح- 15-16)

{نور آفتاب چنان تیز و گرم است که به مجرد ورود آن تاریکی شب از بین می‌رود، شاید از همین سبب آن را به چراغ روشن تشبیه داد و نور مهتاب را باید پرتو روشنی همین چراغ دانست که چون به جرم قمر می‌رسد سرد و سست می‌گردد.} (تفسیر کابلی)

\* \* \* \* \*

پس از تأخیر زیاد دانشمندان پی بردند که آفتاب ثابت و ساکن نبوده بلکه بر محور و مدار خاص خود گردش دارد، قرآن می‌فرماید:

**{و هو الذی خلق اللیل والنهار و الشمس و القمر کل فی فلک یسبحون}** (و اوست آنکه بیافرید شب و روز و آفتاب و مهتاب را،

**هر یک در خانه** (مداری) **شنا می‌کنند** (سوره الانبیاء- 33)

آفتاب و مهتاب بلکه هر سیاره در مدار خود همیشه در گردش اند. (تفسیر کابلی)  
در آیات ذیل نیز چنین اشاره شده است:

**{لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر و لا الیل سابق النهار و کل فی فلک یسبحون}** (نه آفتاب را سزاوار است که دریابد ماه را و نه

**شب سبقت کننده است بر روز، و هر یکی در مدار خود شنا می‌کند** (سوره یاسین - 40)

پس از نظر قرآن آفتاب و مهتاب بلکه هر سیاره در مدار خود گردش می‌نماید که هرگز این سو و آن سو شده نمی‌تواند و با وجود حرکت سریع با یکدیگر تصادم و تصادف نمی‌کنند. 2005

\* \* \* \* \*

یکی از واقعیت‌های ثابت شده علمی پهناور شدن جهان هستی (The Expanding Universe) می‌باشد که در سال 1925م توسط دانشمند آمریکایی ثابت گردید.

قرآن عظیم چهارده قرن قبل به این حقیقت علمی اشاره نموده است؛

**{و السماء بنینها بأئیدٍ و إنالموسعون}** (و آسمان را آفریدیم بقوت و (هر آینه) ما توانانیم.} (سوره الذاریات- 47)

مفسر (زبده التفسیر) در مورد (و أنالموسعون) علاوه از معنی فوق‌الذکر احتمال ذیل را می‌نگارد (ویحتمل أن المعنی: وسعناها

توسیعاً کبیراً) یعنی کاملاً آنرا فراخ نمودیم. (نفخة العبیر من زبده التفسیر 1280)

\* \* \* \* \*

در زمانه های قدیم مردم فکر می نمودند که اتم (لا يتجزا) است و نظریه (Theory of atomism) در بین یونانی ها شهرت زیاد داشت و شخصی بنام (دیمو کریتس) (Demo Critus) که تقریباً (23) قرن قبل از اسلام زندگی می کرد، آنرا پیشکش نمود، و عرب ها نیز در زمانه های قبل از اسلام آنرا باور داشتند. واژه عربی اتم (ذره) است، مثلاً سلاحهای هسته ای را (الاسلحة الذرية) می گویند. بالاخره در قرن بیستم علم (Science) کشف نمود که اتم قابل تجزیه است، این موضوع چهارده قرن قبل در قرآن بیان شده است.

**(و ما يعزب عن ربك من مثقال ذرة في الارض و لا في السماء و لا اصغر من ذلك و لا اكبر الا في كتب مبين) { و پوشیده نمی شود از پروردگار**

**تو همسنگ ذره در زمین و نه در آسمان و نه خوردتر از آن و نه بزرگتر مگر (نوشته شده است) در کتاب روشن } (سوره یونس- 61)**

**( لا يعزب عنه مثقال ذرة في السموات و لا في الارض و لا اصغر من ذلك و لا اكبر الا في كتب مبين) { غائب نمی شود از وی هیچ مقدار ذره**

**در آسمانها و نه در زمین و نه هیچ چیز خوردتر از آن و نه بزرگتر از آن مگر در کتاب آشکار است. } (سوره سباء- 3)**

آیات فوق الذکر بیان میدارد که هیچ چیز چه کوچکتر از ذره و چه بزرگتر از آن از الله (جل جلاله) پوشیده نیست، که اشاره واضح است به اینکه چیزهای کوچکتر از ذره (اتم) وجود دارد، واقعیتی که اخیراً توسط علم (Science) کشف شد. در سال 1962 میلادی دانشمندان این حقیقت را کشف نمودند که میان دریای شیرین و دریای شور حائل قرار دارد که هر دو دریا را با وجود اختلاط، از هم جدا می نماید، به این معنی که آب های یک دریا به دیگری نمی رود، و هر کدام خصوصیات و اوصاف مخصوص خودش را دارد، این چیزی است که قرآن بدان اشاره نموده است: (مرج البحرين يلتقيان. بينهما برزخ لا يبغيان).

**{ دو دریای (مختلف شیرین و شور و گرم و سرد) را در کنار هم روان کرده است و مجاور یکدیگر قرار داده است، اما در میان**

**آن دو حاجز و مانعی است که نمی گذارد، یکی با دیگری بیامیزد و سرکشی کند. } (سوره الرحمن- 19-20)**

**( و جعل بين البحرين حاجراً ) { و بیافرید میان دو دریا حجابی } (سوره النمل- 61)**

**( و هو الذي مرج البحرين هذا عذب فراتٌ و هذا ملح اجاج و جعل بينهما برزخاً و حجراً محجوراً) . { و اوست آنکه بهم آمیخته**

**جریان داد دو دریا را، این یک آب شیرین دافع تشنگی بزرگ است و این شور تلخ است و ساخت میان هر دو حجابی و مانعی**

**مضبوط} . (سوره الفرقان- 53)**

\* \* \* \* \*

اولین حسی که در جنین نمو می نماید عبارت از حس سامعه می باشد که پس از (24) هفته قابلیت شنوایی را پیدا می کند، سپس حس باصره نمو می نماید که جنین مذکور بعد از (28) هفته استعداد بینایی را می یابد. قرآن عظیم الشان می فرماید:

**(وجعل لكم السمع و الابصار و الافئدة) { و پیدا کرد برای شما گوش و چشمها و دلها }.** (سوره سجده- 9).

**(قل هو الذی انشأکم و جعل لكم السمع و الأبصار و الأفئدة، قليلا ما تشكرون) { بگو اوست آنکه بیافرید شما را، و پدید آورد**

**برای شما گوش و چشمها و دلها، اندکی شکر می کنید.}** (سوره الملک- 23)

در آیات مذکور حس (سامعه) قبل از (باصره) ذکر شده است پس بیان قرآن با کشف جدید علمی (Embryology) تطابقت دارد.

\* \* \* \* \*

در سال 1880 اثر انگشت دلیل قطعی برای تشخیص هویت انسان به شمار رفت، البته پس از آنکه (سرفرانسس گولت) (Sir Francis Golt) بنابر تحقیقات علمی، کشف نمود که اثر انگشت هیچ دو نفری در جهان شبیه نیست،

قرآن می فرماید: (یحسب الانسان ان نجمع عظامه بلی قدرین علی أن نسوی بنانه) **{ آیا انسان می پندارد که ما استخوانهای او را**

**گرد نخواهیم آورد! آری** (آنها را گرد می آوریم) **ما حتی می توانیم سر انگشتان او را درست کنیم}** (سوره قیامت- 3-4)

ممکن است این راز این مطلب باشد که الله (جل جلاله) سر انگشتان را مخصوصاً ذکر کرد تا این دو چیز را برای انسان روشن کند:

(الف): راز پوشیده در سر انگشتی که حقیقت آن در عصر اکتشافات علمی کشف شد.

(ب): قدرت بازگرداندن خلقت انسان به صورت و خلقتی که قبلاً بر آن بود.

\* \* \* \* \*

در قدیم چنان تصور می شد که احساس درد و غیره تنها توسط دماغ صورت می گیرد ولی تحقیقات علمی نشان میدهد که پوست، یک عضو پر از بافت های عصبی است که تمام انواع حس از محیط خارجی را می گیرد، و منتقل می کند، پس قرآن ما را به این حقیقت متوجه می سازد و می فرماید: خداوند سبحان هر وقت بخواهد عذاب را به کافران بچشاند، پوست های ایشان که سوخته شده و بافت های عصبی آن مرده، به پوست های سالمی که سوخته نشده تبدیل می کند، تا بار دیگر عذاب را بچشد.

**(إن الذین کفروا بایتنا سوف نصلیهم ناراً کلما نضجت جلودهم بدلگنهم جلوداً غیرها لیذوقوا العذاب) { هر آینه کسانی که کافر شدند**

**به آیت های ما زود در آریم ایشانرا در آتش، هر گاه بسوزد** (پخته شود) **پوست های شان تبدیل کنیم بایشان پوستهای غیر**

**پوست هاس اول تا بچشد عذاب را}.** (سورة النساء- 56)

پروفسور تجانت تیجاسین (Prof.Tagatat Tejasen) که استاد دانشگاه تایلند بود، پس از بررسی عمیق علمی در این خصوص بالاخره طی یک کنفرانس علمی در سعودی ایمان آورد، و در جمع غفیری از دانشمندان اشتهار اسلام نمود. پروفسور مذکور فقط بخاطر یک آیت فوق الذکر ایمان آورد؛

بعضی با فهمیدن یک یا دو یا سه دلیل قرآنی ایمان می آورند و بعضی ها بابررسی و پی بردن آیات بیشتر حقیقت را پذیرفته و از اهل ایمان می شوند، ولی هستند کسانی که اگر هزار دلیل معقول برایشان ارائه گردد، از پذیرفتن حق اعراض می کنند، قرآن عظیم الشان در مورد اینگونه اشخاص می فرماید:

**(صم بکم عمی فهم لایرجعون)**

**{ (ایشان) کراند، گنگند، کوراند، پس ایشان باز نمی گردند (از گمراهی). (سورة البقره-18)**

**دکتر: نهضتیار خطیبی**

انجمن فرهنگی  
جهانی اسلامی  
2005